



اقتصاد اسلامی در زمینه هنجارها متفاوت از علم اقتصاد است

عضو هیأت علمی موسسه امام خمینی گفت: اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد، در بحث‌های فنی اختلافی با یکدیگر ندارند و موارد اختلافی و تفاوت‌ها به بحث‌های هنجاری و نحوه ارتباط با سایر کشورها برمی‌گردد.

عضو هیأت علمی موسسه امام خمینی گفت: اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد، در بحث‌های فنی اختلافی با یکدیگر ندارند و موارد اختلافی و تفاوت‌ها به بحث‌های هنجاری و نحوه ارتباط با سایر کشورها برمی‌گردد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه - نگار احدپور اقبلاغ: علم اقتصاد، هرچند اکنون در شمار مهم‌ترین و مؤثرترین مسائل علوم اجتماعی است، ولی علمی جدید به شمار می‌رود که مبانی و اصول آن فقط از چهار پنج قرن به این طرف تدوین و به صورت علم درآمده است. بعد از پایان جنگ جهانی دوم که مناسبات نظم منطقه‌ای در خاورمیانه تغییر کرد و در پایان دهه چهل و پنجاه میلادی، نظام استعماری جای خود را به دوره استقلال بسیاری از کشورها داد و جریان‌های اسلامی در کشورهای مختلف که امکان ظهور نداشتند، بروز و ظهور جدی پیدا کردند. در این هنگام متفکران مسلمان، آنانی که مسئولیت اجتماعی بیشتری احساس می‌کردند، به ناچار تلاش‌هایی را شروع کردند. ایده اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی به عدم استقبال مسلمانان از تودیع پول در بانکداری ربوی غربی بر می‌گردد. چرا که به دلیل نحوه معاملات و قراردادهای در این نوع بانکداری، مسلمانان سرمایه‌های خود را به طور معمول در این بانک‌ها سپرده‌گذاری نمی‌کردند. منظور از بانکداری اسلامی نوعی سیستم بانکداری است که مبتنی بر قوانین اسلامی باشد. اگر مؤلفه‌های اصلی بانکداری اسلامی را حذف ربا از تمامی عملیات بانکی و انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی بدانیم، اساس بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی خواهند بود.

برای تبیین مسائل مرتبط با اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران با کارشناسان دینی، اقتصادی و اقتصاد اسلامی به گفت و گو نشستیم. در ادامه قسمت هفتم از سلسله گزارش‌های «چالش‌های اقتصاد اسلامی، بانک و عدالت اقتصادی» در گفتگو با حجت الاسلام مهدی خطیبی، دکترای اقتصاد و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را می‌خوانید:

اقتصاد اسلامی در زمینه هنجارها متفاوت از علم اقتصاد است

حجت الاسلام مهدی خطیبی در گفت و گو با خبرگزاری مهر، با بیان اینکه اقتصاد یک دانش نوپاست، بیان کرد: علم اقتصاد شاخه‌ای از علوم اجتماعی است از سال ۱۷۷۶ میلادی زمانی که «آدام اسمیت» کتاب «ثروت ملل» را نوشت، به عنوان یک علم شناخته شد و اگرچه پیش از آن، فعالیت‌های اقتصاد وجود داشت، اما پس از تألیف این کتاب، آرام آرام، جلوه علم و دانش به خود گرفت و در قالب اندیشه‌های اقتصادی متعارف و غربی مطرح بود و کشورهای اسلامی با همان چارچوب غرب از این علم بهره‌می‌گرفتند.

تدوین قوانین اقتصاد مقاومتی بر مبنای فقه اسلامی

وی افزود: در ابتدای دهه ۹۰ شمسی که مشکلات اقتصادی در ایران بیش از پیش نمود کرده و قوت گرفت، بحث اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار مطرح شد، منظور از اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که بتواند در مقابل فشارهای خارجی مقاومت داشته و در عین حال سر زنده و پویا باشد، که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان اولین نظریه پرداز اقتصاد مقاومتی این موضوع را مطرح کردند و مدت‌ها در تبیین آن کوشیدند.

وی خاطر نشان کرد: رهبر معظم انقلاب، ویژگی‌های را برای معرفی و تبیین اقتصاد مقاومتی مطرح کردند از جمله اینکه اقتصاد مقاومتی باید درون‌زا و برون‌نگر باشد، متکی به خود باشد. در امور استراتژیک وابسته به خارج نباشد. با خارج در ارتباط باشد اما وابسته به آن نباشد و ...; و باید توجه داشت، صحبت‌های ایشان مبنای فقهی محکمی داشت. در فقه در مورد ویژگی‌های یک موضوع سخن به میان آمده، به عنوان مثال در مورد مکلفان آمده است که عمل مکلف باید در حوزه‌های مختلف چگونه باشد.

علم اقتصاد به معنای اقتصاد غربی، ناظر به مسائل فنی است

خطیبی تصریح کرد: باید توجه کرد که در فقه در خصوص نحوه ارتباط افراد با دیگران، نحوه ارتباط با کفار، با کشورهای دیگر، همچنین با مخالفان نیز سخن به میان آمده است. به عنوان مثال، یکی از مبانی فقهی ما در بحث سیاست این است که

مسلمین نباید زیر سلطه کفار باشند. این موضوع به عنوان یکی از ارکان و اساس اقتصاد مقاومتی مطرح است. بنابراین اقتصاد نباید به گونه ای باشد که کفار بر مسلمین و کشورهای اسلامی مسلط شوند. قواعد فقهی دیگری از جمله قاعده «قاعده لا ضرر و لا ضرار» به معنی نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران و حرمت آن» نیز در این زمینه وجود دارند که باعث شد، اندیشه اقتصاد مقاومتی مطرح و رشد کند. همچنین قواعد فقهی دیگری که در این زمینه وجود دارد که ریشه اقتصاد مقاومتی هستند و ما از آنها به نام مبانی فقهی اقتصاد مقاومتی یاد می کنیم.

این عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) با بیان اینکه قوانین علم اقتصاد بیشتر متوجه مباحث فنی است، عنوان کرد: اگر اقتصاد را به اقتصاد اثباتی، اقتصاد دستوری، اقتصاد هنجاری و اقتصاد توصیفی تقسیم کنیم، باید توجه کنیم که اقتصاد اثباتی بیشتر به معرفی و بیان قوانین می پردازد، به عنوان مثال قانون تقاضا می گوید؛ اگر قیمت پایین بیاید، تقاضا افزایش یافته و قانون عرضه بیان می کند، اگر قیمت افزایش یابد، عرضه یک کالا بیشتر می شود، اینها قوانینی هستند که در اقتصاد اسلامی و اقتصاد به شکل متعارف غربی آن، یکسان هستند و مخالفتی بین آنها وجود ندارد، به عبارتی اینگونه نیست که ادعا کنیم براساس مبانی اقتصاد اسلامی، قانون تقاضا یا عرضه برعکس قوانین علم اقتصاد عمل می کند و یا نمی توانیم ادعا کنیم، قانون بازدهی نزولی نداریم و بازده صعودی داریم.

اقتصاد اسلامی در زمینه هنجارها، بایدها و نبایدها متفاوت است از علم اقتصاد

وی افزود: در واقع اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد، در بحث های فنی اختلافی با یکدیگر ندارند و موارد اختلافی و تفاوت ها برمی گردد به بحث های هنجاری، عدالت، نحوه ارتباط با سایر کشورها و در حوزه بایدها و نبایدهاست که ما از فقه کمک می گیریم و شما می توانید با استفاده از همین بایدها و نبایدها اقتصاد کشور را بسازید. بنابراین براساس آیات و روایات، هست و نیست هایی بر حرکت کلی نظام اقتصادی کشور مترتب می شود. اقتصاد مقاومتی، بیشتر ناظر به بایدها و نبایدهاست، اینکه چطور باید به تولید پردازیم که وابسته به غرب نباشیم، در حالی که در علم اقتصاد توجه می کنند که چطور تولید کنند تا سود بیشتری عایدشان شود، به عبارتی آنها به دنبال سود حداکثری هستند و ما به دنبال حفظ استقلال مان، نوع نگاه ها متفاوت است و همین نگاه متفاوت عاملی است که اهمیت اقتصاد مقاومتی را نشان می دهد.

خطیبی خاطر نشان کرد: یکی از مشکلاتی که ما در حال حاضر با آن مواجه هستیم، این است که شالوده اقتصاد کشور براساس اقتصاد متعارف بنا نهاده شده از قبل انقلاب و متأسفانه بعد انقلاب هم درست است که کسانی که بر سر کار بوده اند، انسان های انقلابی و متدینی بودند. اما بسیاری از آن ها تحصیل کرده غرب هستند و همان اندیشه ها را آموزش دیده و به کار بسته اند و غیر از آن هم چیزی به ذهن شأن نرسیده و همچنین به یافته های اقتصاد اسلامی هم توجه چندانی ندارند.

وی افزود: ما در اسلام، خمس و زکاتی را به عنوان منابع مالی در اختیار داریم و از آنها به عنوان مالیات شرعی یاد می کنیم، اما آنچه در کشورمان اجرا می شود، مالیات بر ثروت، مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده وhellip; و دقیقاً قوانینی است که در کشورهای غربی برای مالیات وجود دارد، در حالی که خودمان خمس و زکات داریم، بنابراین ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که اقتصاد اسلامی بر چرخه اقتصادی کشور اثر گذار باشد، چراکه نتوانستیم قوانین اقتصاد اسلامی را در کشور اجرا کنیم.

در اجرا و پیاده سازی اقتصاد مقاومتی موفق عمل نکردیم

عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) بیان کرد: بنابراین اساس کارهایی که در اقتصاد کشور در حال انجام است مبتنی بر همان دیدگاه های غربی است که اتفاق افتاده و هنوز در بحث بانکداری ما نهایت کاری که انجام دادیم این بوده که عقود شرعی را جایگزین قوانین بانکداری ربوی کردیم که البته در همین مورد هم موفق عمل نکردیم، متأسفانه قوانین و نظریه اقتصاد مقاومتی، تا حد زیادی روی کاغذ مانده و اجرایی نشده است.